

تقوا چیست ؟

معمولا چنین فرض می‌شود که تقوا یعنی « پرهیزکاری » و به عبارت دیگر تقوا یعنی یک روش عملی منفی ، هر چه اجتناب کاری و پرهیزکاری و کناره گیری بیشتر باشد تقوا کاملتر است . طبق این تفسیر اولاً تقوا مفهومی است که از مرحله عمل انتزاع می‌شود ، ثانیاً روشی است منفی ، ثالثاً هر اندازه جنبه منفی شدیدتر باشد تقوا کاملتر است . به همین جهت متظاهران به تقوا برای اینکه کوچکترین خدشه‌ای بر تقوای آنها وارد نیاید از سیاه و سفید ، تر و خشک ، گرم و سرد ، اجتناب می‌کنند و از هر نوع مداخله‌ای در هر نوع کاری پرهیز می‌نمایند . شک نیست که اصل پرهیز و اجتناب یکی از اصول زندگی سالم بشر است ، در زندگی سالم نفی و اثبات ، سلب و ایجاب ، ترک و فعل ، اعراض و توجه توأم است . با نفی و سلب است که می‌توان به اثبات و ایجاب رسید ، و با ترک و اعراض می‌توان به فعل و توجه تحقق بخشید .

برای کسب تقوا اگر نیروی روحانی تقوا در روح فردی پیدا شود ضرورتی ندارد که محیط را رها کند ؛ با چنین شاخصه‌ای شخص می‌تواند بدون رها کردن محیط خود را پاک و منزه نگه دارد . نهج البلاغه تقوا را به عنوان یک نیروی معنوی و روحی که بر اثر ممارست و تمرین پدید می‌آید و به نوبه خود آثار و لوازم و نتایج دارد و از آن جمله پرهیز از گناه را سهل و آسان می‌نماید ، طرح و عنوان کرده است .

تقوا به معنای آن ملکه مقدس است که در روح پیدا می‌شود و به روح قوت و قدرت و نیرو می‌دهد و نفس اماره و احساسات سرکش را رام و مطیع می‌سازد . تقوا غیر از ترس و غیر از اجتناب از معاصی است . تقوای الهی سبب اجتناب از معاصی و سبب ترس از خدا می‌شود .

لازمه تقوا و ضبط نفس ، افزایش قدرت اراده و شخصیت معنوی و عقلی داشتن است . آنکس که بر مرکب چموش هوا و هوس و شهوت و حرص و طمع و جاه‌طلبی سوار است و تکیه گاهش این امور است زمام اختیار از دست خودش گرفته شده و به این امور سپرده شده ، دیوانه‌وار به دنبال این امور می‌دود ، دیگر عقل

و مصلحت و مال اندیشی در وجود او حکومتی ندارد ، و اما آنکه تکیه‌گاهش تقوا است و بر مرکب ضبط نفس سوار است عنان اختیار در دست خودش است و به هر طرف که بخواهد در کمال سهولت فرمان می‌دهد و حرکت می‌کند.

« تقوا در دنیای امروز برای انسان به منزله یک حصار و بارو و به منزله یک سپر است و در فردای آخرت راه بهشت است » (خطبه ۱۸۹ نهج البلاغه) در واقع تقوا پناهگاهی بلند و مستحکم است که دشمن قادر نیست در آن نفوذ کند ؛ تقوا نیروئی است روحی ، نیروئی مقدس و متعالی که منشاء کششها و گریزها می‌شود ، کشش به سوی ارزشهای معنوی و فوق حیوانی ، و گریز از پستیها و آلودگیهای مادی .

امیرالمؤمنین می‌فرماید : « اشجع الناس من غلب هواه » ؛ « از همه مردم شجاعتر کسی است که بر هوای نفسش غالب باشد » ؛ پس روح تقوا همان خود نگهداری است .

و کلام آخر اینکه تقوا یعنی اینکه انسان بتواند بر نفس خود در حدی مسلط باشد که بواسطه آن بتواند بر ترس ، بخل ، حسد ، خشم ، طمع ، و حرص خود مسلط شود . این تقوای واقعی است .